

اسلامی، انتخابات شورای شهر دوم بود؛ از این جهت که گرایش‌های مختلف از نهضت آزادی تا آبادگران در آن، فهرست‌های اختصاصی داشتند ولی خُب، مردم از انتخابات روی گردان شدند؛ به گونه‌ای که در کلان‌شهر تهران، تنها یازده درصد مردم در انتخابات نهم اسفند شرکت کردند و این باعث شد که در غیاب پایگاه رای اصلاح‌طلبان، فهرست آبادگران پیروز انتخابات شده و بعداً هم آن شورای شهر، آقای احمدی‌نژاد را به‌عنوان شهردار معرفی کند.

**یدالله طاهرنژاد:** با توجه به اینکه انتخابات شوراها، با ابتکار آقای خاتمی و اصرار و پیگیری ایشان انجام شد، طبیعتاً، افکار عمومی، انتظارش این بود که خروجی این شوراها، خروجی مطلوبی باشد و به اصلاح‌نظام حکمرانی کشور بیانجامد. در دور اول شوراها، اصلاح‌طلبان با توجه به فضای سیاسی‌ای که در کشور وجود داشت، تقریباً به‌صورت قاطع همه جا در انتخابات پیروز شدند و در تهران هم یک‌دست شورا در اختیار اصلاح‌طلبان قرار گرفت



چون اگر جبهه مشارکت و حزب کارگزاران لیست واحدی برسند، اما در هماهنگ کردن آن لیست، این دو گروه موفق نشدند با هم به توافق برسند. تعدادی از افراد را جبهه مشارکت پیشنهاد داده بود و کارگزاران نمی‌پذیرفت، متقابلش هم یکی دو نفر هم بودند که کارگزاران انتظار داشت در لیست‌ها باشند و جبهه مشارکت نتوانست بپذیرد که آنها در لیست‌ها باشند. همین باعث شد که کلاً این اختلافات را کنار بگذارند و لیست‌های مجزای بدهند.

**سعید شریعتی:** آن موقع جبهه مشارکت و حزب کارگزاران مهمترین احزاب برای ارائه فهرست‌ها بودند. خیلی تلاش شد، همفکری‌ها و جلسات متعددی برگزار شد که به یک لیست واحدی برسند، چون اگر جبهه مشارکت و حزب کارگزاران لیست واحدی ارائه می‌کردند، توانایی این را داشتند که سایر گروه‌ها را هم با خودشان همراه کنند، هر کدام از اینها، یک تعداد گروه داشتند که با آنها همراه بودند. اما در هماهنگ کردن آن لیست، این دو گروه موفق نشدند با هم به توافق برسند. تعدادی از افراد را جبهه مشارکت پیشنهاد داده بود و کارگزاران نمی‌پذیرفت، متقابلش هم یکی دو نفر هم بودند که کارگزاران انتظار داشت در لیست‌ها باشند و جبهه مشارکت نتوانست بپذیرد که آنها در لیست‌ها باشند. همین باعث شد که کلاً این اختلافات را کنار بگذارند و لیست‌های مجزای بدهند.

**یدالله طاهرنژاد:** حزب کارگزاران، در کل همیشه دارای مشی تعاملی و همکاری برای اداره بهینه کشور بود و هیچ‌وقت دچار افراط و تفریط نشد. در آن برهه هم تلاش اش این بود که همگرایی صورت بگیرد و از خسارت بیشتری که به واسطه عملکرد این دوستان، نصیب کشور شده بود، جلوگیری کند اما به

**یدالله طاهرنژاد:**

**یک بخشی از جناح چپ، با افراط‌کاری و ندانم‌کاری، باعث شدند که در بخش وسیعی از بدنه اصلاحات رنجش ایجاد شود و افکار عمومی از این ناحیه متاثر شوند و این فرور تا به اینجا کشیده شد که هر جناحی در داخل جبهه اصلاحات تصور داشت که به تنهایی پیروز میدان است و نتیجه این نوع نگاه، باعث شد که شکست‌های پیاپی نصیب جبهه اصلاحات شود و هنوز هم بعد از سالیان سال که از آن ماجرا می‌گذرد، آثار سوء آن، عدم انسجام از یک طرف و فرور کاذبی که در تعدادی عناصر تعیین‌کننده جبهه اصلاحات وجود داشت، در جامعه خودش را نشان می‌دهد و اتفاق و انسجام کامل، بعد از چندین انتخابات که مابست سر گذاشتیم، هنوز به‌دست نیامده است. نمونه رفتارهایی که انجام شد و مجموعه اصلاحات از آن ضربه خورد، رفتارهایی بود که بعد از دوم خرداد و در جریان انتخابات مجلس ششم، با مرحوم هاشمی‌فسنجانی صورت گرفت. بزرگترین اشتباه رادیکال‌های جناح چپ، جفایی بود که به آقای هاشمی کردند. آقای هاشمی که در جریان پیروزی**

اما متأسفانه امتحان خوبی پس ندادند و در بهره‌برداری از فضای استثنایی که در کشور ایجاد شده بودومی توانست به‌توسعه و اعتلای فضای سیاسی و اجتماعی کشور بیانجامد و افکار عمومی را با جبهه اصلاحات همراه‌تر کند، متأسفانه به‌دلیل عملکرد ناموفق و عدم تعامل سازنده اعضای شورا با هم و نزاع و درگیری آنها که نهایتاً تا انحلال شورا هم پیش رفت، تاثیر بسیار منفی بر افکار عمومی گذاشت و متأسفانه حاصلی که به بار آورد، حاصل تلخی بود که سال‌ها کشور از ثمره تلخ آن اختلاف رنج برده و می‌برد و این نتیجه عدم تعامل و همکاری یک جناح بود که در تهران به‌صورت کامل شورا را در اختیار داشت. در تهران که تابلوی کشور است، متأسفانه بهره‌برداری خوبی از این پدیده مبارک نشد و آن نتیجه تلخ به بار آمد.

**امیررضا واعظ‌آشتیانی:** هم‌عملکرد دولت وقت و هم‌عملکرد شورای شهر اول و آن درگیری‌ها و کشاندن مسائل سیاسی به موضوعات شهری و اجتماعی در فضای این انتخابات تاثیر گذاشته



**در ماجرای بستن لیست‌ها، ما با عدم ارائه لیست واحد از سوی اصلاح‌طلبان مواجه بودیم. ماجرای بستن لیست‌ها چگونه بود؟**

جناح چپ نقش اساسی ایفا کرد و نگذاشت که سلامت انتخابات خدشه‌دار شود، به جای قدرشناسی، شروع به ناسپاسی، تهاجم و توهین کردند و دل آقای هاشمی را شکستند و یک پشتیبان بزرگ را از جبهه خودش دور کردند و همین موضوع اتفاقاً تبدیل به پایه انحراف از اصولی شد که براساس آن اصول جناح چپ به پیروزی رسیده بود و باعث رنجش در جبهه اصلاحات شد. این مسئله خسارت سنگینی بود و خیلی آقای هاشمی رنجیده شد؛ هر چند بعداً تلاش داشتند که دلجویی و ترمیم کنند اما به هر حال آن ضربه و خسارت وارد شده بود.

**امیررضا واعظ‌آشتیانی:** از گروه اول‌گراها، فقط آبادگران حضور داشت ولی در سمت مقابل اصلاح‌طلبان متنع آمده بودند. برخی از گروه‌هایشان هم مسلح به تبلیغات گسترده بودند. شاید این موضوع هم خودش تاثیرگذار بود. در حقیقت می‌توانیم بگوییم، چون متوع وارد انتخابات شدند، رای‌های آنها پخش شد و از این طرف، آبادگران از یک سال قبل سازمان‌دهی کرده بود. یک برنامه‌ریزی منطقی انجام شده بود. من یادم هست که نزدیک به ۱۲۰ نفر دعوت شده بودند که نهایتاً به ۱۵ نفر رسیدند و این ۱۵ نفر، چکیده آن ۱۲۰ نفر بود که منجر به این شد که ۹ اسفند ۸۱ آن انتخابات و آن شرایط منجر به موفقیت آبادگران شود.



دولت بر وفق مراد مردم بود و شورای شهر اول هم براساس خواسته مردم پیش می‌رفت، آن موقع انتخابات پرشور می‌شد. اصلاح‌طلبان باورشان این بود که باهمه اتفاقاتی که در شورای شهر اول افتاد، مردم باز هم به آنها اقبال نشان می‌دهند. آنها اشتباه محاسبه کرده بودند و نمی‌دانستند که مردم به کسی چک سفید امضا نداده‌اند. البته اگر اصلاح‌طلبان لیست واحد داده بودند، می‌توانستند آبادگران را مقداری با چالش مواجه کنند. یعنی از آن ۱۵ نفر، تعدادی از اصلاح‌طلبان هم وارد شورا می‌شدند، چنانچه پس از شمارش آرا، آقای رسول‌خادم در لیست یکی از گروه‌های اصلاح‌طلب بود، نفر پانزدهم شد و آقای تازاده که در لیست مشارکت بود، اولین نفر علی‌البدل شد. اگر لیست واحدی می‌دادند، تعداد اصلاح‌طلبان بیشتر می‌شد، چنانچه در انتخابات دور سوم شورای شهر این اتفاق افتاد. در سومین دوره، ۴ نفر از اصلاح‌طلبان وارد شورا شدند. در انتخابات دوره سوم شورای شهر، مشابه این اتفاق برای اصولگرایان افتاد. دو لیست رایحه خوش خدمت و جبهه پیروان خط امام و رهبری از طرف اصول‌گرایان منتشر شد و آن طرف اصلاح‌طلبان یک لیست دادند. من با اطمینان می‌گویم اگر در دوره سوم شوراها، اصول‌گرایان یک لیست داده بودند همان ۴ نفر از اصلاح‌طلبان هم نمی‌توانستند وارد شوند. اینها تجربه برای آینده است که چگونه تصمیم‌گیری و چیدمان شود.

**در دومین دوره انتخابات شورای شهر، با کاهش محسوس میزان مشارکت روبه‌رو شدیم؛ به گونه‌ای که مشارکت با کمتر از ۵۰ درصد رقم زده شد. علت این کاهش مشارکت را چه می‌دانید؟**

هیچ دلیل دیگری نداشت که بعد از آن پیروزی مششع در دوم خرداد و انتخابات اول شورا، چنین شکست فاحشی در مرکز کشور نصیب اصلاح‌طلبان شود. مردم خواستند خودشان پاسخ اصلاح‌طلبان را بدهند که از این فرصتی که نصیب‌شان شده بود، نتوانستند استفاده کنند. آن بخش رادیکال جبهه اصلاحات، باعث ایجاد این اختلافات و انشعابات شد. نتیجه آن عملکرد ضعیف، پیروزی آبادگران و پس از آن پیروزی آقای احمدی‌نژاد شد که واقعا کشور از آن آسیب جدی دید.

**امیررضا واعظ‌آشتیانی:** همیشه عملکرد

مجلس خوب نبوده است، مجالس برای مردم بسیار حائز اهمیت بوده و همیشه هم اینطور خواهد بود.

یعنی تا زمانی‌که عملکرد دولت‌ها و مجلس مثبت نباشد، ما این چالش‌ها را خواهیم داشت. عملکرد موفق

اندازه‌ای اختلافات بالا گرفت و شکاف بین دو طیف در شورا زیاد شد و گوش شنوایی هم نبود که کارگزاران هم نتوانست این شکاف را ترمیم کند و انسجام ایجاد کنند. بخشی از دلایل لیست‌های متعدد که از سوی اصلاح‌طلبان منتشر شد، فرور زیادی بود که در جبهه اصلاحات، برآثر پیروزی آقای خاتمی حاصل شده بود و متأسفانه یک بخشی از جناح چپ، با افراط‌کاری و ندانم‌کاری، باعث شدند که در بخش وسیعی از بدنه اصلاحات رنجش ایجاد شود و افکار عمومی از این ناحیه متاثر شوند و این فرور تا به اینجا کشیده شد که هر جناحی در داخل جبهه اصلاحات تصور داشت که به تنهایی پیروز میدان است و نتیجه این نوع نگاه، باعث شد که شکست‌های پیاپی نصیب جبهه اصلاحات شود و هنوز هم بعد از سالیان سال که از آن ماجرا می‌گذرد، آثار سوء آن، عدم انسجام از یک طرف و فرور کاذبی که در تعدادی عناصر تعیین‌کننده جبهه اصلاحات وجود داشت، در جامعه خودش را نشان می‌دهد و اتفاق و انسجام کامل، بعد از چندین انتخابات که مابست سر گذاشتیم، هنوز به‌دست نیامده است. نمونه رفتارهایی که انجام شد و مجموعه اصلاحات از آن ضربه خورد، رفتارهایی بود که بعد از دوم خرداد و در جریان انتخابات مجلس ششم، با مرحوم هاشمی‌فسنجانی صورت گرفت. بزرگترین اشتباه رادیکال‌های جناح چپ، جفایی بود که به آقای هاشمی کردند. آقای هاشمی که در جریان پیروزی

**چهره‌ها**



## شایستگان را نباید حذف کرد

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه شورای عالی اداری در خصوص اصلاح دستورالعمل انتخاب، انتصاب و ارتقاء مدیران حرفه‌ای تصریح کرد: «شایسته‌سالاری و انتخاب مدیران بر اساس عملکرد گذشته فرد و همچنین روال اداری و استخدامی حتماً پیگیری و اجرایی می‌شود، اما دولت با توجه به برنامه تربیت ۵۰۰ مدیر جوان و کارآمد به‌گونه‌ای در این مصوبه برنامه‌ریزی و اصلاح کرده است تا جوانان علاوه بر آموزش‌های لازم بتوانند پله‌های مدیریتی و ترقی به سمت مدارج عالی اداری را طی کنند.» وی تأکید کرد: «پیشنهادات احتمالی اصلاحی برای اصلاح این دستورالعمل حتماً مورد توجه قرار گیرد تا شایستگان حذف نشوند. در موافقی مدیری با تجربه کم عملکرد درخشانی داشته است که اینگونه استثنائات (نه به صورت قاعده) مورد توجه قرار گیرد.»

▲▲

## پیوستن به FATF مشکلات جدی‌تری ایجاد می‌کند

علی حدادی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به بررسی لوایح پارلمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «جمع‌بندی‌مادر مورد FATF، چه CFT و چه پارلمو، این است که هیچ نتیجه‌ای در زمینه تحریم‌ها نخواهد داشت.» وی افزود: «برخی معتقدند که با پیوستن به FATF می‌توان تحریم‌ها را شکست و راهکارهایی برای حل مشکلات تحریمی به دست آورد که چنین چیزی درست نیست و اساساً پیوستن به FATF مشکلات جدی‌تری برای ما ایجاد خواهد کرد.» حدادی توضیح داد: «از جمله این مشکلات، می‌توان به ارائه داده‌ها و اطلاعات مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی اشاره کرد. در واقع، دولت‌ها براساس کنوانسیون‌های CFT و پارلمو ملزم به ارائه اطلاعات کامل به مجموعه‌هایی هستند که در FATF عضو هستند.» وی در پایان گفت: «در نهایت، نتیجه‌گیری ما این است که FATF هیچ فایده‌ای برای کشور ندارد و مضرات عضویت در آن بیشتر از فواید آن است.»

## ادامه سر مقاله

اگر قابلیات دور اول به سود جلیلی انصراف می‌داد، این تعداد از مردم با حداقل نیمی از آنان از ترس جلیلی به پای صندوق رای می‌آمدند و به پزشکیان رای می‌دادند و لذا هیچ شناسی برای جلیلی نبود. درحالی‌که اگر جلیلی انصراف می‌داد، بخشی از مشارکت‌کنندگان دور اول که به پزشکیان رای دادند، در دور دوم هم شرکت نمی‌کردند؛ چون به صوری و ساختگی بودن انتخابات ایمان می‌آوردند. حتی برخی از رای‌دهندگان به پزشکیان هم ممکن بود به قابلیاف رای دهند. همچنین آرای جلیلی خیلی کم به پزشکیان منتقل می‌شد. خوشبختانه، قدرت‌طلبی تندرورها به سود مردم شد. ولی نکته جالب در بی‌اخلاقی‌هایی است که در جریان مذاکرات دو طرف رخ داد که بخشی از آنها در روز گذشته از سوی دو طرف منتشر شده است. تا اینجا خیلی مسئله‌ی ما نیست. به‌هر حال، یک اختلاف درون‌گروهی است. آنچه به مردم ربط دارد، بداخلاقی‌هایی است که تندرورها در جریان این ماجرا به هم‌پیمان خودشان روا داشتند. بر حسب قاعده: «کسی که به خودش رحم نمی‌کند، چگونه به دیگران رحم می‌کند»، باید به این نتیجه رسید که انتخابات ۱۴۰۳ اگر هیچ دستاوردی جز شکست دادن مطلق این گروه نداشت، باز هم دستاورد بسیار مهمی محسوب می‌شود که خطر بزرگی را از بیخ گوش ایران عزیز رفع کرد. آنان خالص‌سازانی هستند که خلوص آنان حد یقفی ندارد و تا آخرین نفر حتی از خود را تبدیل به دشمن و خائن می‌کنند و درصد حذف او بر می‌آیند. متأسفانه این جریان هنوز هم دنبال اقدامات ایذایی خود علیه دولت و مردم است. هر روز یک ماجرابی را غلم می‌کند. هیچ اصلی جز کسب قدرت به‌هر قیمت راهنمائی عمل آنان نیست. آقای پزشکیان باید متوجه باشد که وفاق با این جریان قدرت‌طلب و تندروو که به خودشان هم رحم نمی‌کنند آب در هاون کوبیدن و اتلاف وقت است. وفاق را با نیروهایی پیشه کنید که ارزش آن‌را می‌فهمند و از آن استقبال می‌کنند.



واحدی برسند، چون اگر جبهه مشارکت و حزب کارگزاران لیست واحدی ارائه می‌کردند، توانایی این را داشتند که سایر گروه‌ها را هم با خودشان همراه کنند، هر کدام از اینها، یک تعداد گروه داشتند که با آنها همراه بودند. اما در هماهنگ کردن آن لیست، این دو گروه موفق نشدند با هم به توافق برسند. تعدادی از افراد را جبهه مشارکت پیشنهاد داده بود و کارگزاران نمی‌پذیرفت، متقابلش هم یکی دو نفر هم بودند که کارگزاران انتظار داشت در لیست‌ها باشند و جبهه مشارکت نتوانست بپذیرد که آنها در لیست‌ها باشند. همین باعث شد که کلاً این اختلافات را کنار بگذارند و لیست‌های مجزای بدهند.



که همگرایی صورت بگیرد و از خسارت بیشتری که به واسطه عملکرد این دوستان، نصیب کشور شده بود، جلوگیری کند اما به



**ارزیابی شما از علت پیروزی قاطع آبادگران در شهر تهران چیست؟**

**امیررضا واعظ‌آشتیانی:**

**موضوع عملکرد شورای شهر اول هم بسیار محسوس بود. به عبارتی موضوع عملکرد دولت و شورای شهر اول، به نوعی مکمل هم شده بودند، برای اینکه مردم حضور پیدا نکنند**



انتخاب آقای احمدی‌نژاد تبعاتی برای کشور داشت که همچنان ادامه دارد. پیروزی آقای احمدی‌نژاد باعث شد که تکنوکراسی حاکم بر ساختار کشور که حدود یک قرن سابقه داشت، آسیب جدی دید و شاید سالیان سال طول کشید تا آن ضایعه ترمیم شود. تمام آن پیروزی آبادگران، نتیجه اختلافات غیرضرور، بدون مبنا و غیرموجه بود. آن ماجرا باعث شد اعتماد مردم به جبهه اصلاحات و اصلاح‌طلبان آسیب ببیند و هیچ‌وقت دیگر نتوانستیم به آن نصاب‌هایی که در انتخابات دوم خرداد سال ۷۶ و شورای شهر دوم، به‌دست آورده بودیم، برسیم.

**امیررضا واعظ‌آشتیانی:** علاوه بر اینکه ما یک لیست داشتیم و اصلاح‌طلبان با چند لیست آمده بودند، همانطور که در بخش اول اشاره کردم، موضوعات دیگری هم دخیل بود. مردم در آن زمان از عملکرد دولت رضایت چندانی نداشتند؛ در کنار آن، موضوع عملکرد شورای شهر اول هم بسیار محسوس بود. به عبارتی موضوع عملکرد دولت و شورای شهر اول، به نوعی مکمل هم شده بودند، برای اینکه مردم حضور پیدا نکنند. بخشی از مردم قانع شده بودند که نباید در این دوره از انتخابات شرکت کنند. اگر عملکرد



**سعید شریعتی:** علت کاهش مشارکت در انتخابات نهم اسفند ۸۱ همان دو عاملی بود که پیش از این به آنها اشاره کردم. هم فضای اختلافات شورای شهر اول تهران تاثیر داشت و این موضوع رنگش را روی شورا‌های سراسر کشور پاشیده بود و روی تخریب نگاه مردم به شوراها تاثیر داشت. هم اینکه بعد از آن، فضای کلی که در سیاست بعد از سال ۸۰ حاکم شده بود، در مجموع منجر به این شد که مشارکت پایین باشد.

**یدالله طاهرنژاد:** علت کاهش مشارکت، قطعاً کارنامه بسیار ناموفق شورای شهر تهران در جبهه اصلاحات بود. دقیقاً انتخابات شورای شهر دوم، پاسخ محکم افکار عمومی به عملکرد شورای شهر اول بود؛ غیر از این دیگر



این موضوع رنگش را روی شورا‌های سراسر کشور پاشیده بود و روی تخریب نگاه مردم به شوراها تاثیر داشت. هم اینکه بعد از آن، فضای کلی که در سیاست بعد از سال ۸۰ حاکم شده بود، در مجموع منجر به این شد که مشارکت پایین باشد.



افکار عمومی به عملکرد شورای شهر اول بود؛ غیر از این دیگر